

کارکرد نهادهای امر به معروف و نهی از منکر در بستر تاریخ اسلام با تکیه بر احکام فقهی

قاسم گیلانی فر^۱ - محمد جعفری هرنندی^۲*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

چکیده:

نهاد امر به معروف و نهی از منکر از جمله نهادهایی است که جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اسلام دارد. گرچه در قرآن و سنت، کلمه حِسبه در مورد این نهاد به کار نرفته، لکن از همان زمان-هایی که دایره احتساب در حکومت اسلامی به وجود آمد، اصطلاح حِسبه و احتساب هم که یک عنوان تأسیسی فقهی به معنای امر به معروف و نهی از منکر به کار رفت. پرسش اصلی تحقیق این است که کارکرد نهادهای امر به معروف و نهی از منکر در بستر تاریخ اسلام کدامند؟ نتایج تحقیق نشان داد که در بستر تاریخ اسلام، نهاد حِسبه به عنوان نهاد مجری امر به معروف و نهی از منکر کارکردهای ویژه‌ای داشته است. بعد از انقلاب که کار حِسبه، در نهادهای متعدّد قانونی تقسیم شده و در صدر آنها ولایت مطلقه فقیه قرار دارد. این تحقیق با هدف معرفی و کارکردهای نهادهای این فرضیه به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: امر به معروف و نهی از منکر، حکومت، حِسبه، نهاد حِسبه، محتسب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JPIR-2012-1704

^۱ - دانشجوی دکتری الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی^(ع)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ - دانشیار گروه الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی^(ع)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده

مسئول

harandi_lawyer@yahoo.com

مقدمه

همه‌آشنایان به مبانی ادیان آسمانی خصوصاً دین اسلام می‌دانند متون کتب آسمانی خصوصاً قرآن، بالاخص روایات و احادیث پیامبر عظیم‌الشان^(ص) و اهل بیت^(ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر توصیه‌های بی‌بدیل نموده‌اند، به طوری که بعضی روایات، همه فروع احکام اسلام را در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، همچون قطره‌ای در مقابل دریا تلقی نموده‌اند. امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای الهی است که هدف بزرگ آن رشد و تعالی انسان-هاست. این فریضه مهم نقش تأثیرگذاری در شکل‌گیری رفتار دینی در بین مسلمانان داشته و به عنوان عامل بازدارنده و تعالی بخش مسیر درستی در جهت دستیابی به کمال و شکوفایی معنوی دارد، اما این نهاد مهم آنچنان که باید در جامعه دینی ما بروز و تجلی نیافته و لزوم آموزش آن در عصر حاضر که تهاجم فرهنگی به دلیل ارتباطات و گسترده‌گی مرزهای فرهنگی آشکارا ارزش‌ها و هنجارهای دینی ما را نشانه رفته است، بیش از پیش احساس می‌شود.

نگریستن به مجموعه‌ای از یادگارهای تمدن‌های بزرگ و تندیس‌ها، ظروف، اجساد مومیایی شده و ساختمان‌های کوچک و بزرگ که گهگاه از دل خاک بیرون می‌آیند و اغلب به فراموشی سپرده شده‌اند. امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با دیگر تکالیف شرعی به منزله چراغی در دست انسان متشرع و متمدن است که با انگیزه اصلاح و تعالی جامعه چهره واقعی نیکی‌ها و بدی‌ها را به هم‌نوعان خود نشان می‌دهد و یا همچون خون در رگ‌های احکام الهی جریان دارد و حیات و بقای آنها را تضمین می‌کند. از اینرو آنان که می‌خواهند به وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایند و به این وسیله از ارزش‌های اسلامی پاسداری کرده و حاکمیت آن را تقویت و توسعه بخشند و بایستی از شیوه‌های صحیح آن استفاده کنند تا به اهداف والای آن نائل آیند. چون در غیر این صورت نه تنها به هدف از امر به معروف و نهی از منکر که انجام واجب‌ها و از بین رفتن و پدیدار نگشتن منکرهاست نخواهند رسید. بلکه امکان دارد نتیجه و واکنش معکوسی پدید آید و معروفی دیگر نیز ترک یا منکری بر منکرات افزوده گردد.

این نهاد گرچه در مرحله ساده‌اش، در صورت آماده بودن شرایط و مؤثر بودن، وظیفه آحاد مسلمانان هست که در قرآن کریم و اصول مختلف قانون اساسی بدان پرداخته شده است. برای نمونه، آیه ۷۱ سوره توبه در بیان صفات ممتاز مومنان می‌فرماید: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیا بعض بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و ینطیعون الله و رسوله؛ مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند».

به موجب این آیه، افراد مومن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکر می-باشند. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد یا حتی حکومت، در کل جامعه تاثیر بگذارد؛ چنان که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد. در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این جهت توجه ویژه و تأکید و تصریح گشته‌است. «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متفاوت بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند». اما وظیفه عمده این تکلیف الهی باید از طرف حکومت، آن هم در میدان عمل و اجراء، با رعایت مقتضیات زمان و مکان، به بهترین شکل خود، بروز، نمود و ظهور داشته باشد. به قول شهید مطهری امر به معروف و نهی از منکر علت مبقیه جامعه اسلامی می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۱، ج ۲: ۷۳)

در گذشته حکومت‌ها به دیوان احتساب و موضوع محتسب توجه ویژه داشتند. مثلاً در کتاب معالم‌القربه فی احکام الحسبه آمده که محتسب نباید بازرسی بازارها را سست بگیرد. چنانچه نقل شده در روزگار علی بن عیسی وزیر، محتسب بغداد، غالباً در خانه خود می‌نشست، بدو نوشته کار حسبه با پوشیدگی و دوری از مردم بازار نیست، در بازارها بگرد تا روزی بر تو حلال باشد، به خدا سوگند اگر روزها در خانه بمانی خانه را بر سرت آتش خواهیم زد. در همین کتاب آمده که محتسب همواره به حال سوار یا پیاده ماموران و یارانی به اندازه احتیاج همراه داشته باشد زیرا این امر بر احترام و هیبت او می‌افزاید. (منتظری، ۱۳۷۰، ج ۳: ۴۶۷)

بنابراین مطالعه درباره برخی رویکردهای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عبارت دیگر نهاد حسبه در تاریخ اسلام تاکنون و تبیین برخی علل فراز و نشیب آن شاید تجربه‌ای افزون بر تجربیات گذشته برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشورهای مسلمان، در خصوص ساختار بهتر تشکیلات و سازمان این نهاد بزرگ در جوامع اسلامی باشد. مسئله اصلی تحقیق این است که نهادهای امر به معروف در بستر تاریخ اسلام کدامند و چه کارکردهایی بر عهده داشتند که در این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد؟ فرضیه مقاله بدین ترتیب است که نهادها و سِمَت‌های مختلف با نام‌های متفاوت در بستر تاریخ اسلام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده داشتند.

پیشینه تحقیق

اختصاراً باید گفت درباره اصل امر به معروف و نهی از منکر یا حسبه در اسلام مقالات و کتاب

های فراوانی در داخل و خارج کشور نوشته شده است. مثلاً یکی از مهمترین و مفصل‌ترین تحقیقات انجام شده در خارج از کشور کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی است که مورخ و پژوهشگر غربی بنام مایکل آلن کوک آن را به نگارش در آورده که در دو جلد به وسیله احمد نمایی ترجمه و به وسیله بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. از منابع فقهی فریقین هم به عنوان نمونه می‌شود از کتاب احکام السلطانیة والولايات الدینیة ماوردی متوفی در ۴۵۰ هجری، همچنین کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه ابن اخوه متوفی ۷۲۹ هجری، همچنین کتاب القطب الاعظم فی الحسبه، عبدالواحد نعمت... بن یحیی گیلانی شاگرد شیخ بهایی را نام برد. از معاصران به عنوان نمونه برخی از بزرگان به همراه آثارشان ذکر می‌شود. امام خمینی^(۶) تحریرالوسیله، کتاب البیع و مجموع سخنرانی‌های مدون ایشان در صحیفه نور و غیر آن. شهید مطهری، مباحث مطروحه ایشان در کتاب حماسه حسینی، مجموعه آثار، و یا هر نوع اثر جمع‌آوری شده او در باب امر به معروف و نهی از منکر، حسبه، احتساب و محتسب. حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة)؛ عبدا... جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت. محمدتقی مصباح یزدی، ولایت فقیه، پاسخ‌ها و پرسش‌ها؛ حاج شیخ جواد تبریزی، صراط النجاة، ایصال الطالب الی التعلیق علی المکاسب؛ سید ابوالقاسم خوئی، مبانی تکملة المنهاج و التنقیح، اجتهاد و تقلید؛ سیدکاظم الحسینی الحائری، ولایة الامر فی عصر الغیبة؛ علی مشکینی، امر به معروف و نهی از منکر و حسین نوری همدانی امر به معروف و نهی از منکر. البته برخی از نویسندگان نامبرده، یا بخشی از آثار خود را اختصاص به امر به معروف، حسبه و احتساب داده اند و یا آثاری مستقل درباره امر به معروف و نهی از منکر از خود به جای گذاشتند. جهت رعایت اختصار، از ذکر آثار مشابه و فراوان دیگر نویسندگان و محققان خودداری شده است.

مفهوم شناسی

تعریف و برداشتی که از امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، برحسب نوع معنایی که از واژه «معروف» و «منکر» اراده می‌شود و نیز برحسب تفسیری که از امر و نهی و مصادیق و مراتب آن می‌شود و بالاخره برحسب مرجع اعمال کننده آن یعنی آمر و ناهی، متفاوت می‌باشد.

- معنای معروف و منکر: در تبیین معنای معروف و منکر اقوال گوناگونی ارائه شده است؛ برخی معنای «معروف و منکر» را واجبات و محرمات می‌دانند؛ (تفتازانی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۵۸۰) و برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده‌اند (فاضل مقداد، ۱۳۶۸: ۵۷)

علاوه بر این، در تبیین مفهوم این دو واژه مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۳۱)

مرحوم علامه طباطبایی، معروف را به معنای آنچه که با ذائقه افراد یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد دانسته و می‌گوید: «فالمعروف يتضمن هداية العقل و حکم الشرع و فضيلته الخلق الحسن و سنن الادب». (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۳۶)

معروف در لغت از ماده عرف به معنای شناخته شده و آن مقابل منکر است. (بستانی، ۱۳۷۵: ۸۷۴) البته در تبیین معنای معروف اقوال گوناگون ارائه شده است برخی معنای «معروف» را واجبات و برخی دیگر علاوه بر واجبات، مستحبات را هم، به معنای معروف می‌دانند و در تبیین مفهوم این واژه مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده (یعنی معروف به افعال و صفاتی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را شناخته و مورد تأیید قرار داده باشند).

منکر از ماده «نکر» به معنای ناشناخته است و در اصطلاح منکر ضد معروف و هرکاری است که عقلها و خردهای سلیم، زشتی آن را حکم، یا این که عقلها در زشتی و خوبی آن کار، سکوت می‌کنند، سپس دین و شریعت بدی و زشتی آن را بیان می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۳۱)

شیخ طبرس معتقد است «منکر» به معنای معصیت و نافرمانی الهی است یعنی آن چه خدا و رسول از آن نهی کرده‌اند «منکر» است و در قرآن مجید همان‌گونه که ماده عرف در مواردی به معنی شناخت و در بسیاری از موارد به معنی پسندیده و نیک استعمال شده است، در مقابل، ماده «نکر» در بعضی موارد به معنی عدم شناخت و در بسیاری از موارد در ناپسند و زشت استعمال شده است. مثلاً در آیه ۱۴۶ بقره خداوند می‌فرماید: «الذین اتینا هم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابناهم و ان فریقا منهم لیکنتمون الحق و هم یعلمون» آنان که به آنها کتاب (آسمانی) داده‌ایم، همان‌گونه که پسران خود را می‌شناسند او (محمد) را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان (هم) می‌دانند.

امر به معروف یعنی امر کردن کسان برای انجام دادن واجبات شرعی، مقابل آن نهی از منکر می‌باشد. نهی از منکر به معنی منع کردن (افراد) از اعمال نامشروع است. (معین، ۱۳۷۵، ج ۲: ذیل واژه معروف) مانند این قرآن خداوند در آیه ۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» باید از میان شما دسته‌ای مردم را به نیکی دعوت کنند و به معروف فرمان دهند و از منکر بازدارند و نیز مانند این حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر اولیسلطن شرارکم علی خیار-

کم فیدعو خیار کم فلا یستجاب لهم» همانا باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، در غیر این صورت خداوند بدکاران شما را بر نیکانتان مسلط می‌کند و در این هنگام خوبان شما دعا می‌کنند ولی اجابت نمی‌شود».

ابن اثیر در نهایه می‌گوید: «حسبه» اسم مصدر از مادهٔ احتساب است، چنانچه «عده» از لغت «اعتداد» می‌باشد و آن در اعمال صالحه و کارهای سخت، عبارت است از مبادرت به طلب و تحصیل اجر و ثواب، به وسیلهٔ صبر و شکیبایی در مقابل کارهای سخت و مشکل یا به وسیلهٔ انجام دادن انواع نیکوکاری‌ها و اقدام به انجام آنها بر وجهی که مقرر شده، برای به دست آوردن ثوابی که برای آن تعیین شده است. در صحاح اللغه چنین آمده است: «احتسبت علیه بكذا» یعنی نسبت به کارهایی که او انجام می‌داد اعتراض کرده و او را نهی از منکر کردم. ابن درید گفته: «احتسبت بكذا» «طلبت اجرا عندالله» یعنی از خدا به خاطر آن، مزد و ثواب طلب کردم و حسبه (بالکسر) اسم مصدر از این ماده، به معنی مزد، پاداش و اجر می‌باشد. مجمع البحرین گوید: «احتسب فلان» یعنی کار را به خاطر خدا و به منظور رسیدن به ثواب آن انجام داد و «حسبه» که به معنی اجر و ثواب می‌باشد از همین باب است. البته احتمال دارد (هر چند اجتهاد در لغت صحیح نیست) حسبه از لغت محاسبه، به معنی مراقبت و حسابرسی فردی از دیگری باشد و شاید حسیب به معنای محاسب نیز از این قبیل باشد، چنانچه در قرآن مجید آمده است. (منتظری، ۱۳۷۰، ج ۳: ۴۰۳)

حسبه یکی از مصدرهای فعلِ حَسِبَ و نیز اسم مصدر از احتساب است. حسبه و احتساب که معمولاً جای یکدیگر به کار می‌روند، معانی لغوی گوناگون دارند و از میان آنها دو معنی با اصطلاح حسبه پیوند دارد.

یکی احتساب به معنی شمردن و حساب کردن، این مفهوم در اصل مادی و محسوس بوده که در متون دینی و روایی، بار معنوی یافته و به معنای چیزی را به حساب خدا گذاشتن، کاری را به نیت الهی انجام دادن و اجر و پاداش آن را از خدا خواستن، به کار رفته است. معنای دوم احتساب، زشت شمردن است. حسبه علاوه بر معنای شمردن و حساب کردن، به معنای تدبیر هم به کار رفته است. (ابن فرا، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۸۴)

به گفته ماوردی «حسبه» امر به معروف است آنگاه که ترک آن معروف، آشکار شود، و نهی از منکر است هنگامی که عمل زشت، آشکارا انجام پذیرد. (نیاوردی، ۱۴۲۴: ۲۶۰)

غزالی میان حسبه و فریضه امر به معروف و نهی از منکر هیچ تفاوتی قائل نشده است.

کارکرد نهادهای امر به معروف و نهی از منکر در بستر تاریخ اسلام با تکیه بر احکام فقهی

شیزری و به پیروی از وی ابن اخوه نیز همان تعریفِ ماوردی را با اندک اختلاف پذیرفته‌اند. (ابن قیم، ۱۴۱۹ه، ج ۱: ۲۳۹-۲۴۰)

ابن تیمیه به مفهوم عامی که برای امر به معروف و نهی از منکر قائل است همه بخش‌های حکومت را از امور ولایی می‌داند که هدف آن امر به معروف و نهی از منکر است. (حاجی خلیفه، ۱۴۱۰ه، ج ۱: ۱۵-۱۶)

از دیدگاه وی، ولایت بر جهاد و نیروهای امنیتی و بیت المال نیز از ولایات شرعی و مناصب دینی‌اند و صاحبان آن باید برای اقامه معروف تلاش کنند. از این رو وظیفه محتسب امر به معروف و نهی از منکر خاص است که از حیطة وظایف والیان و قاضیان و دیوانسالاران خارج است. به گفته برخی از علماء، حسب از دقیق‌ترین علوم است و فقط فرد زیرک و باهوش می‌تواند ظرافت‌های آن را درک کند. زیرا حالات، زمان‌ها و اشخاص، پیوسته در حال دگرگونی‌اند و باید به مقتضای زمان و حال، جامعه را اداره کرد. شناخت این تحولات اجتماعی از دشوارترین کارهاست و مجری این منصب یعنی محتسب، باید علاوه بر شایستگی‌های ظاهری، از پشتوانه قوه قدسی نیز، برخوردار باشد و خود را از هواهای نفسانی دور کند. حسب از تشکیلات اداری و دینی در حکومت‌های اسلامی بوده که بر امور اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و بهداشتی نظارت می‌کرده است.

محتسب کسی است که شخص امام و یا نائیش او را برای نظارت در احوال مردم و کشف امور و مصالح عمومی آنان... و امر آنها به معروف و نهی‌شان از منکر تعیین و نصب کرده باشد... محتسب باید خردمند و قاطع و در اجرای امور دینی خشن باشد و احکام شرعی را بداند. دایره حسب یک سازمان است زیر نظر دولت که هماهنگی و اجرای نهی از منکر را عهده دار است و می‌کوشد تا با امکانات و نظارت قوای دولتی به ایفای همه جانبه این وظیفه خطیر بپردازد. افراد دایره حسب که محتسب نام داشتند از میان افراد ذی نفوذ جامعه، روحانیان و اهل تقوی انتخاب می‌شدند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منظر آیات و روایات

اولین امر به معروف، ذات مقدس پروردگار است که بر همه انبیاء الهی و در همه کتب آسمانی خصوصاً قرآن در آیه ۹۰ سوره نحل انسان‌ها را به معروف امر، و از نواهی منع می‌کند «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشا و المنکر و البغی» همه پیامبران الهی نیز به دستور خداوند جزء آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر بودند. بنابراین موضوع مورد قبول همگان این است که این فضیلت و درواقع این وظیفه به پیش از

ظهور اسلام باز می‌گردد. این مطلب را قرآن و به ویژه آنچه مفسران از آن درک می‌کردند، تأیید می‌کند. آیه‌های ۱۱۴-۱۱۳ آل عمران از گروهی از اهل کتاب سخن می‌گوید که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. «لیسوا سواء، من اهل الکتاب امة قائمة یتلون ایات الله اناء اللیل و هم یسجدون - یومنون بالله و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین».

یعنی خداوند تأیید می‌کند که در بین اهل کتاب طایفه فوق العاده‌ای هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند اگر روند کلی حدیث تفسیری را دنبال کنیم آیه ۷۹ مائده اسرائیلیانی را سرزنش می‌کند که از کار زشتی که می‌کردند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند چون خداوند در این آیه می‌فرماید: از بنی اسرائیل آنان که کافر شدند به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند و این لعنت پاداش عصیان و تجاوزشان بود و ادامه می‌دهد: «کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه» این تنها مورد در قرآن از فعل تناهی است. آیات ۱۶۳-۱۶۶، سوره اعراف، حادثه- ای را بیان می‌کند که در آن بعضی از اسرائیلیان از کار سوء نهی می‌کردند و بعضی نهی نمی‌کردند و مفسران این را از مقوله نهی از منکر می‌دانند ... و ما در منابع، اشاره‌های متعدد بر انجام دادن یا غفلت از این وظیفه در بین اسرائیلیان پیشین می‌بینیم. (کوک، ۱۳۹۲، ج: ۱، ۴۹)

شکی نیست که پیامبر اسلام^(ص) اولین پیام بعد از بعثت خود را با امر به معروف و نهی از منکر شروع نموده (قولو لا اله الا الله تفلحوا) همان گونه که خداوند متعال هنگام وحی و بعثت رسول ...^(ص) ایشان را امر به معروف نمود (اقرا باسم ربک الذی خلق) این مطلب تقریباً مورد تأیید اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. با فرا رسیدن دوران اسلامی بدون تردید پیامبر امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد به عنوان مثال وصف ایشان در ادای این وظیفه در آیه ۱۵۷ اعراف آمده آیه‌ای که بر حسب روایات به دوران زندگی او در مکه باز می‌گردد.

به تدریج با گسترش اسلام و آموزه‌های آن، پیامبر اکرم (ص) دیگر وظایف عملی و فعلی مسلمانان را در قالب قرآن و وحی الهی بیان می‌فرمودند و مردم هم در آن زمان، نیازی به اجتهاد و استنباط و خودرأیی نداشتند، در این جهت فرقی بین اصول دین، معارف الهی، اخلاق، حلال، حرام، مستحب، واجب، مکروه و حرام نبود و تکالیف هم خیلی روشن بود. چون رسول الله^(ص) به عنوان اسوه و الگوی مسلمانان «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»^۱،

آنان را هر جا که لازم بود ارشاد و هدایت و عنداللزوم امر به معروف و نهی از منکر می نمودند.

در زمان خلافت امام علی^(ع) نیز وظیفه نهی از منکر به شکل انفرادی انجام می شد و گاهی خود امام و زمانی هم نمایندگان او این وظیفه را انجام می دادند. «وائل ازدی» روایت کرده است که علی^(ع) را دیدم که در برخورد با قصابان می فرمود: «ای قصابان! برای چاق نشان دادن لاشه گوسفندان، در آنها ندمید، زیرا اگر کسی به دروغ گوشت را زیاد نشان دهد و نیرنگ بزند از ما نیست. «حبابه والبیة» روایت کرده است که امیر المومنین^(ع) را دیده که شلاقی در دست داشته و در بازار گشت می زده است. و کسانی را که غذاهای حرام مانند مارماهی را می فروخته اند شلاق می زده است. (حرعاملی، ۱۴۱۹ه، ج ۱۶: ۳۳۲)

گاهی نیز امام علی^(ع) برای اجرای این وظیفه به کسانی مأموریت می داد، مثلاً در نامه ای به مالک اشتر نخعی دستور می داد که خود شخصاً بر کار محترکان نظارت کند و آنها را از احتکار باز دارد و متخلفان را مجازات نماید. (نهج البلاغه/ ۱۰۱۷)

حسبیه و کارکرد آن در دوره خلفای راشدین

در میان نظرات متفاوت درباره زمان تأسیس اولین سازمان حسبیه، بعضی از مولفان تا هفت نظریه را در این زمینه مورد بحث قرار داده اند. (صرامی، ۱۳۷۷: ۲۸۹)

یکی از آن نظرات این است که تأسیس این سازمان در عهد امویان در شهر واسط بوده است. گر چه درست ترین نظر این است که نخستین بار، این سازمان در زمان مهدی خلیفه سوم عباسی (۱۵۹هـ-۷۷۵ م) به وجود آمد. نکته قابل توجه این است که موضوع حسبه و امر نظارت معمولاً در عرصه های گوناگون اقتصادی-فرهنگی و نظارت بر بازار، شهر، حتی در حوزه دینی و اخلاقی بوده است.

بازار تنها مرکز مبادله کالا نبود بلکه مرکز حرکت های سیاسی و اجتماعی نیز بود. چنان که برخی از نهضت ها از بازار آغاز می شد. مانند قیام بر حجاج بن یوسف که از بازار کوفه شروع شد. بازارها به شدت از سوی والیان یا کارگزاران آن که عامل یا والی سوق نامیده می شدند، مراقبت می شد. از وظایف والیان بازار، نظارت بر ترازوها و پیمانها، گردآوری مالیات و حل و فصل اختلاف میان بازاریان بود. (ابوعبید، ۱۳۸۸ه، ج ۲: ۷۱۱)

رفتار عاملان بازار، گاه موجب ناخشنودی بازاریان می شد، زیرا والیان بازار، پشتیبان منافع حاکمان و مجری فرمان های امیر خود بودند و از منافع بازاریان حمایت نمی کردند. در زمان حکمفرمایی عبیداله بن زیاد بر کوفه (۶۴-۶۱ ق) بازاریان از رفتار عامل او در بازار به ستوه

آمدند و از میثم تمار خواستند تا شکایت آنان را به امیر رساند، به امید آنکه مسئول بازار را تغییر دهد. (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۹۷)

البته در دوره امویان انواع منکرات و زشتی‌ها در جامعه اسلامی رواج داشت و هیچگونه نظارت و مراقبت جدی در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر از سوی حکومت اعمال نمی‌شد و همین امر، زمینه مناسبی را برای گسترش منکرات در جامعه اسلامی فراهم آورد. شهرهای مقدس مکه و مدینه نیز از تیررس فحشا و فساد در امان نماند. مدینه که مرکز تعلیم و تعلم کتاب خدا و سنت پیامبر^(ص) و جایگاه عالمان دینی بود، مرکز تربیت نوزادگان و نغمه پردازان شد.

در آغاز پیدایش نهاد حسبه، که عصر اقتدار خلفای عباسی بود، فرمان نصب و عزل محتسب را خلیفه یا نایبان او در ولایات صادر می‌کردند. پس از آنکه آل بویه و سلجوقیان بر خلفا چیره شدند و سلطنت از خلافت جدا شد، تعیین مناصب دینی، همچون حسبه، بر عهده سلطان یا وزیر گذاشته شد. اما چون خلفای عباسی هنوز تشریفات درباری را حفظ کرده بودند و شاهان نیز به نام و القاب و خلعت خلیفه، برای کسب مشروعیت خود، نیاز داشتند. خلفا در نامه‌ها و فرمان‌های تشریفاتی همه وظایف دیوانی و دینی در ولایات از جمله حسبه را به امیران و سلاطین واگذار می‌کردند و گاهی فقط در بغداد بدون واسطه، محتسبانی بر می‌گزیدند. انتصاب محتسبان در شهرهای کوچک بر عهده والیان و حاکمان محلی بود و معمولاً محتسبان از ساکنان محلی انتخاب می‌شدند و گاهی وظیفه انتخاب محتسبان بر عهده قاضی القضاة گذاشته می‌شد. (عبتی، ۱۳۵۷: ۴۰۰)

ظاهراً اعطای فرمان حسبه به محتسب و اعلان عمومی آن با آداب و رسوم اداری همراه بود و به گمان قوی برای برخی محتسبان با تشریفات خاصی انجام می‌شده است معمولاً همراه فرمان تولیت، خلعت نیز برای صاحب منصب فرستاده می‌شد. از مراسم تولیت محتسب در مصر آگاهی‌های بیشتری وجود دارد. در ابتدای این مراسم، فرمان حسبه از دست خلیفه گرفته می‌شد و پس از آن محتسب با موکبی با شکوه از شاهراه‌ها می‌گذشت و با خلعت‌های خلیفه وارد جامع ازهر و جامع عمروعاص می‌شد و در آنجا منشور خلیفه به آگاهی مردم می‌رسید. (ابن تغری بردی، ۱۹۳۰م: ۳۰)

در زمان آل بویه، محتسبی از مهمترین مشاغل آن زمان بود، زیرا گذشته از امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه اصلی و اساسی محتسب بود، تمام امور مربوط به شهر، از توجه به نظم و نظافت و رسیدگی به وضع کلیه اصناف و صاحبان هر حرفه و شغل تا اوضاع عمومی

کارکرد نهادهای امر به معروف و نهی از منکر در بستر تاریخ اسلام با تکیه بر احکام فقهی

مردم، زیر نظر او قرار داشت و چون او طوری بود که با همه طبقات سر و کار داشت و گاهی ضرورت ایجاب می‌کرد که یکی از صاحبان مشاغل بزرگ یا یکی از متنفذین قدرتمند را به کاری امر یا از کاری نهی کند، معمولاً از میان رجال درجه اول و مقتدر انتخاب می‌شد تا بتواند وظایف خود را به آسانی و بدون پروا و ملاحظه انجام دهد. (فقیهی، ۱۳۷۵: ۶۷)

البته این به معنی عدم گسترش حربه در دوره‌هایی از تاریخ اسلام نبوده است. چون در مناطق و دوره‌هایی که حربه، شکل دولتی به خود می‌گرفت در ابتدای کار، بیشتر برای نظارت بر اصناف و بازار به کار می‌رفت. ولی به تدریج گسترش یافت و به حدی رسید که بر همه امور زندگی نظارت می‌کرد. از آن پس تشکیلات بسیار وسیعی پیدا کرد و حتی همان گونه که قبلاً اشاره شده بود در بعضی دوره‌ها و سرزمین‌ها، این نهاد بر سلطان و طبقه اشراف و دیوان قضا هم نظارت می‌کرد. (بیاتی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۵۴)

ظاهراً مشابه چیزی که اسلام از آمرین به معروف و ناهین از منکر انتظار دارد و حتی امر به معروف کردن در چنین سطح بالا نسبت به شخص اول کشور را، به‌عنوان بزرگ‌ترین و بالاترین جهاد تلقی نموده است. خانه‌ی خصوصی برای مأموران دایره‌ی حربه وجود داشت و در اوقات معینی، بعضی از فروشندگان را به آنجا احضار می‌کردند و ترازوها و وزنه‌ها و پیمان‌های آنها را می‌آزمودند اگر نقص و خللی در آنها می‌یافتند آنها را مصادره می‌کردند و صاحبان‌شان را به خریدن ترازوی دقیق‌تر وادار می‌کردند. محتسب، دفتری داشت که در آن اسم تک تک نانوایان و صاحبان مشاعل و نشانی محل کار آنها به ثبت می‌رسید. حتی بعضی از صاحبان مشاغل موظف بودند که دگه‌ی خود را در کنار دگه‌ی محتسب بنا کنند تا از نزدیک بر کار آنها نظارت داشته باشد و بدون اجازه او حق کسب نداشتند.

حسبیه و امر به معروف و نهی از منکر در ایران

ایران در سال شانزدهم هجری، یعنی کمتر از شش سال پس از رحلت پیامبر، در نبرد قادسیه دروازه‌هایش به روی مسلمانان باز شد. از آن پس، طی چهار سال جنگ پی در پی کلیه امپراطوری بزرگ ایران به تصرف مسلمانان عرب درآمد در سال ۳۲ قمری حدوداً شانزده سال پس از نبرد قادسیه، آخرین پادشاه ساسانی حاکم بر ایران، در حالی که سال‌های زیادی فراری بود در مخفی گاهی به قتل رسید و سلسله ساسانیان منقرض شد و تاریخ اسلامی در ایران آغاز شد. با ورود مسلمانان به ایران، ایرانیان استقبال بی نظیری نشان دادند و تا سال‌های متمادی امپراطوری عظیم ایران، یک استان از توابع دولت مرکزی بود و به فرمان خلفای حاکم عمل می‌کرد (۲۰-۲۱۵ ه.ق). قبل از آنکه ایران تابعی از دولت مرکزی منسوب به اسلام

شود و دایره حسیبه در آن به وجود آید یعنی در زمان فرمان فرمایی ساسانیان (۶۵۲ م-۲۲۴ م) امور انتظامی کشور به نحو دیگری اداره می‌شد و حالتی ساده و بسیط داشت.

ولی با تصرف ایران توسط مسلمانان، حسیبه در ایران نیز آغاز به کار کرد. این نهاد به دلیل گستردگی در عهد غزنویان و سلجوقیان به اوج خود رسید و در هر شهر و روستایی، نماینده‌ای از نمایندگان حسیبه حضور داشته است. گزارشات تاریخی از عهد تیموریان، ایلخانان، سلجوقیان و صفویان گواه بر وجود حسیبه دولتی است. (رضایی راد، ۱۳۸۹، ۱۲۷-۱۲۸)

در ایران این نهاد همچنان با عنوان حسیبه و البته با کاربرد واژه محتسب برای معرفی سرپرست و عهده‌دار امر حسیبه به فعالیت خود ادامه می‌داد. از قرن ششم هجری به بعد، انتصاب محتسب یکی از مهمترین وظایف سلطان یا حاکم به شمار می‌آمده و وزرا و نویسندگان، گماردن فردی را حتماً به سلطان توصیه می‌کردند. (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۶۱-۱۶۲).

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

این رسم در سال ۱۲۴۲ ق. لغو شد و به جای آن «احتساب نظارتی» که نهادی دولتی و غیرقابل واگذاری و التزام بود به وجود آمد. در نهایت در سال ۱۲۷۲ ق نهادهای احتسابی در عثمانی به طور کلی جمع آوری و جای آن را نهاد امنیه (پلیس) گرفت. البته در دیوان‌ها و اسناد اداری عثمانی، اصطلاح حسیبه به کار نرفته است و به جای آن «احتساب» آمده است. احتساب اصطلاحی است رسمی که در هر مرکز و هم در استان‌ها به کار می‌رفته است و معنی بنیادی آن، گردآوری مالیات‌ها و بدهی‌های بازرگانان و پیشه‌وران و برخی کالاهای وارداتی بوده است. با همه اینها، اصطلاح احتساب سرانجام به مجموعه وظایفی که به محتسب یا «احتساب آغاسی» و بسیار کم «احتساب امنیه» واگذار شده بود، ویژگی یافت. اصطلاحی که معمولاً به «پاسبان یا بازرس بازار» ترجمه شده است. احتساب آغاسی معنای محدودی را در بر می‌گیرد به همان شیوه‌ای که محتسب به عنوان داروغه بازارها (بازرس بازارها) دانسته و نگریسته شده است. با همه اینها، مسئولیت دقیق او از تنها بازرسی بازارها و اعضای اصناف بازرگان، بیرون و افزون بود. محتسب به وسیله قاضی، وزیر اعظم یا استاندار هر استان محسوب می‌شد و در برابر قاضی مسئول بود. به این ترتیب هر استان برای خود یک محتسب مستقل داشت که به أخذ مالیات‌ها و دیگر وظایف فرعی می‌پرداخت. نرخ گذاری کالاها نیز از وظایف او بود. (صرامی، ۱۳۷۷: ۲۸۹)

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر بعد از پیروزی انقلاب

متأسفانه نابسامانی‌ها و خلأهای حقوقی مربوط به فریضه امر به معروف و نهی از منکر در

نظام اسلامی هنوز برطرف نشده است اولین سابقه تقنینی در این زمینه به بعد از انقلاب اسلامی، هنگام تدوین قانون اساسی بر می‌گردد. اصل هشتم قانون اساسی نهاد جدیدی تأسیس کرد که در تاریخ کشور در بعد قانونگذاری بی سابقه است. این اصل مقرر کرد که در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. این اصل در ادامه مقرر کرده که شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر در این سه بخش را قانون معین کند. این تکلیفی است که قانونگذار بر عهده قوای سه‌گانه گذاشته که باید شرایط، حدود و کیفیت این فریضه را مشخص می‌کردند ولی متأسفانه در این بخش‌ها کار جدی و اساسی صورت نگرفته است و در این زمینه خلأهایی وجود دارد. وزیر دادگستری دولت نهم معتقد است: تعیین کیفیت امر به معروف در اصل هشتم، یعنی سازمان و نهادی متکفل امر به معروف و نهی از منکر بشود. در بخش سازمانی و تشکیلات راجع به این امر، هیچ کاری انجام نداده‌ایم..... جز این اصل قانون اساسی، هیچ بخشی راجع به تشکیلات، بلکه راجع به کل نهاد امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد. در بخش بقیه مقررات هم، دو مورد به امر به معروف و نهی از منکر مربوط می‌شود. یکی قانون وظایف آموزش و پرورش که سال ۱۳۶۶ تصویب شد. در این قانون گفته شده یکی از وظایف آموزش و پرورش امر به معروف و نهی از منکر است و در واقع چیزی بیش از قانون اساسی ایجاد نکرده، بلکه این تکلیف را به عهده آموزش و پرورش در سازمان قانونی‌اش محول کرده است. در قانون احزاب هم، در بحث تعریف انجمن‌های اسلامی صنوف، ادارات و... امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه انجمن‌های اسلامی ذکر کرده است این قانون در سال ۱۳۶۰ تصویب شد. غیر از این، قانون دیگری راجع به این موضوع نداریم، در سال ۱۳۶۱ اتفاق جالبی در قانونگذاری رخ داد و آن حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکری بود که احتمالاً مرتکب عملی می‌شوند که فی نفسه عنوان مجرمانه دارد. در این قانون یکی از مواردی را که کار مجرمانه، جرم محسوب نمی‌شود، ارتکاب عمل با عنوان امر به معروف و نهی از منکر بوده است. یعنی این قانون، حمایت کیفری می‌کرد از کسانی که مرتکب امر به معروف و نهی از منکر می‌شوند و با توجه به اینکه این عمل، امکان داشت بعضاً باعث تعرض به حقوق شخصی شود، نیاز به توجه بیشتری داشت ولی قانونگذار شرایط و ضوابط (دقیق) آن را مشخص نکرد. این در حالی است که برای دفاع مشروع و حالت ضرورت، شرایط بسیاری وجود دارد و قانونگذار هم شرایط آن را ذکر می‌کند.

اما با وجود اینکه امر به معروف و نهی از منکر شرایط شرعی بسیار دقیق و ظریفی دارد،

قانونگذار شرایط آن را در قانون ذکر نکرد به اجمال وا گذاشت و نتیجه تصویب این قانون مجمل، آن شد که برخی کسانی که اعتقاد به امر به معروف نداشته‌اند انتقادهای و حملات شدیدی به این قانون انجام دادند و گفتند این قانون، دست اشخاص را در تعرض به حقوق افراد باز گذاشته است. از طرفی دادگاه‌ها هم در حمایت از مرتکبین امر به معروف و نهی از منکر در استفاده از این قانون، راسخ و جدی نبودند. البته گاه‌گاهی از آن استفاده می‌کردند در نتیجه این انتقادهای و حملات شدید و همچنین با توجه به این نظریه فقهی که امر به معروف و نهی از منکر در مرحله عمل وظیفه افراد نیست بلکه وظیفه حکومت است. این بند از قانون (حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر) حذف شد و در سال ۱۳۷۰ قانون به حالت اول درآمد و دوباره امر به معروف و نهی از منکر از شمار عوامل توجیه‌کننده رفتاری که احیاناً مجرمانه است، خارج شد.

از آن پس همین مقدار حمایت جزایی هم در قانون نسبت به امر به معروف و نهی از منکر از بین رفت. این مسئله موجب شد کسانی بتوانند با استشهاد به نسخ این قانون، بگویند دیگر امر به معروف و نهی از منکر در مرحله عمل به وسیله هیچ کس قانونی نیست یعنی نه تنها اشخاص عادی بلکه نهادهای حکومتی هم نمی‌توانند این کار را انجام دهند، زیرا آن بند از قانون، فقط ناظر به اشخاص حقیقی نبود، بلکه هر دستگاه و مقام حکومتی هم می‌توانست از آن بهره‌گیرد. کما اینکه دفاع مشروع و حالت ضرورت هم، اختصاص به اشخاص عادی ندارد به خود حکومت هم بر می‌گردد. این یک خلأ قانونی بود که خود قانونگذار آن را به وجود آورد و مسئله را در ابهام باقی گذاشت، ضمن اینکه از نظر نهاد و سازمان تشکیلاتی امر به معروف و نهی از منکر نیز، هیچ قانونی تصویب نشد.

از نظر این حقوقدان در امر به معروف و نهی از منکر ظرفیت‌های قانونگذاری متعددی وجود دارد و می‌توان سازمان مطبوعات و احزاب کشور و قانونگذاری در خصوص آنها را، بر اساس این نهاد (امر به معروف و نهی از منکر) تعریف کرد و در قالب آن مشروعیت بخشید. این اقدام، این خاصیت را دارد که معروف یا منکر یک امر دینی است و در ظرف دین (اسلام) باید آن را تعریف کنند و دیگر کسی نمی‌تواند آنها را بر اساس سلیق و دیدگاه‌های خودش تعریف کند و آن را نسبی بداند. بدین ترتیب می‌توان به کارآیی مطبوعات، احزاب و تقویت نقش وحدت بخش آنها افزود و از بروز تعارض و چالش‌های مختلف توسط آنها جلوگیری کرد. وی همچنین معتقد است که یکی دیگر از ظرفیت‌سازی‌ها، استفاده از ظرفیت امر به معروف و نهی از منکر برای تعریف جرم سیاسی است و اگر حفظ نظام اسلامی، بالاترین معروف و مقابله براندازنده با آن، بالاترین منکر باشد، آنگاه جرائم در حیطه براندازی نظام، نباید صرفاً

کارکرد نهادهای امر به معروف و نهی از منکر در بستر تاریخ اسلام با تکیه بر احکام فقهی

جرم سیاسی انگاشته شده و مجرمان چنین جرایمی، نباید (صرفاً) مجرم سیاسی شناخته شده و از امتیازات (قانونی) مجرمین سیاسی استفاده نمایند، بلکه باید مانند مجرمین عادی و متناسب با جرم سنگینشان (مقابل با نظام) با آنها برخورد کرد. زیرا بنا به گفته بنیانگذار انقلاب اسلامی، حفظ نظام از اوجب واجبات است. ایشان همیشه درباره حفظ نظام اسلامی سفارش‌هایی به همه، خصوصاً مسئولان و رسانه‌ها دارند از جمله این که «به همه آقایان من می گویم با هم جنگ نکنید، روزنامه‌ها را پر نکنید دوباره از بدگویی از هم و از انتقاد از هم. انتقاد غیر از انتقام جویی است. اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقام جویی، این همان قلم شیطان است. (خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۰۵)

انتقاد بکنید (ولی) توطئه نکنید. من با توطئه مخالفم، همه هم مخالفند. همه نویسنده‌ها مکلفاند به حفظ نظام، ما لسانمان باید لسان نصیحت باشد و انسان می‌بیند که گاهی وقت‌ها لسان‌ها لسان نصیحت نیست. (خمینی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۲۷)

انتقاد این قدر نکنید بدون جهت، بهانه گیری نکنید بدون جهت، که این، به نفع دشمنان ماست، هر روز نگویید انقلاب شد و هیچ نشد، این خیانت به ملت است. (خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۴۷۳)

البته قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۳ به تصویب مجلس شورا و در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید که گرچه (این اقدام) قدمی به جلو بوده و حمایت‌های قانونی مختصر، اما نه کافی، از آمرین به معروف و ناهیان از منکر کرده، لکن رویکرد این مصوبه، بیشتر فردگرایانه و واگذار کردن این وظیفه، بر عهده مردم و در نهایت سازمان‌های مردم نهاد است. ولی از جزئیات و وظیفه مستقیم اجرایی دولت و حکومت اسلامی در همه حوزه‌های امر به معروف و نهی از منکر، تحت عنوان اداره یا سازمان یا وزارت امر به معروف و نهی از منکر یا هر عنوان و تشکیلات بزرگ کشوری دیگری که مصلحت باشد و در سراسر مناطق شهری و غیر شهری کشور اسلامی، شعبه داشته باشد، هیچ اشاره‌ای ندارد و همچنان فقدان یک نهاد اجرایی بسیار قوی برای این دو فریضه در نظام اسلامی، به خصوص در عرصه‌های هنجارشکنی اجتماعی و فرهنگی، احساس می‌شود. نهادی که حداقل از نظر قدرت اجرایی و وسعت تشکیلات، فی‌المثل، همچون پلیس و نیروهای انتظامی در سراسر کشور باشد تا از این طریق، هم مردم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر انفرادی نسبت به یکدیگر تشویق شده و بیشتر رغبت پیدا کنند و هم فعالان مردم نهاد نسبت به فعالیت‌های خود از طرف دولت و حکومت احساس پشتیبانی کافی کنند. چون نظام رسمی

حاکم بر کشور، جمهوری اسلامی است و فقدان چنین قدرت اجرایی پشتیبانی کننده از نظام اسلامی، مردم جامعه را در زمینه امر به معروف و نهی از منکر انفرادی نسبت به یکدیگر، حتی در مقایسه با قبل از انقلاب فشل تر و بی رغبت تر حتی بی تفاوت می‌کند.

چون مردم مسلمان، قبل از انقلاب نه تنها، از رژیم و حاکمان غیر صالح، امید و انتظار تبلیغ گسترده دین را نداشتند بلکه برعکس، آرزوی تغییر و اسقاط آن حکومت غیر صالح را داشته‌اند به علاوه در شرایط کنونی، انتظار انجام این دو فریضه (صرفاً) توسط افراد جامعه نه حکومت اسلامی، صرف نظر از سختی‌ها، درگیری‌ها، و دردسرهای فراوانی که برای مردم می‌تواند داشته باشد. احتمالاً این تصور را در آنها تقویت خواهد کرد که نکنند در پشت این عدم اقدام تشکیلاتی و اجرایی قوی حکومت اسلامی نسبت به این دو وظیفه، مصلحتی مهم‌تر موجود باشد که آنها از آن بی‌خبرند و در نتیجه بهتر باشد که آنها هم اقدامی نکنند. فی‌المثل در راستای مصلحت و سیاست مماشات نظام اسلامی با مردم، این گمان می‌رود که عدم اقدام کافی حکومت در اجرای عملی این دو فریضه، شاید به جهت جلوگیری احتمالی از هر نوع هرج و مرج و اغتشاشات در کشور باشد در نتیجه مردم هم می‌گویند چون هرج و مرج، ناامنی و اغتشاشات در کشور چیز بسیار بدی است بنابراین ما هم اقدامی نکنیم، در حالی که قبول این تصور، آن هم به نحو مطلق اشتباه است و باید بدانیم که در شرایط فعلی کشور، بسیاری از بی بند و باری‌ها و عدم رعایت حرمت و شئون اجتماعی و مذهبی آن هم به بهانه‌های مختلف از جمله به بهانه آزادی، جنبه تهاجمی وسیع داخلی و خارجی پیدا کرده و دشمنان بین‌المللی معاند سیاست‌های حاکم بر این نظام اسلامی و مردم، با سرمایه‌گذاری صدها میلیاردی خود، و با مساعدت‌های عامدانه و یا جاهلانه عوامل داخلی در پشت این قضایا، جهت تبدیل نمودن ناهنجاری‌های زشت و فاسد اجتماعی به هنجارها، سنگر گرفته‌اند. به قول مقام معظم رهبری، دشمنان نظام اسلامی نه فقط تهاجم فرهنگی بلکه مشغول شبیخون حتی غارت و قتل عام فرهنگی به ما هستند. ظاهراً ایشان بعداً در سخنرانی دیگر، هجوم بین‌المللی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فاسد دشمنان علیه ملت ایران را تعبیر به ناتوی فرهنگی کردند. لذا بسیار ضروری است که در این زمینه اندیشمندان دلسوز، فکر و طرح اساسی ارائه و از آن مهم‌تر، توسط مسئولین کشور، اجرایی و عملی شود که متأسفانه تاکنون نشده است.

اگر سیری در قوانین عادی و وظایف محتسب بکنیم، در میان قوانین عادی موجود و جاری جمهوری اسلامی ایران بسیاری از وظایف و صلاحیت‌های تاریخی محتسب را می‌توان در مجموعه قوانین قدیمی شهرداری‌ها، نیروی انتظامی، دیوان عدالت اداری و قانون تشکیل سازمان

بازرسی کل کشور، ملاحظه کرد. اجرای قوانین مجازات اسلامی، تعزیرات حکومتی و قانون تشدید مجازات محترمان و گران فروشان و سازمان استاندارد، احیاناً دیگر سازمان‌های نظارتی در سطح کلان کشور مثل حفاظت اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و غیره را، می‌توان بخشی از وظایف محتسب دانست. ناگفته نماند بسیاری از وظایف شهرداری‌ها که مصوب سال ۱۳۳۴ شمسی بوده، اکنون در اختیار وزارت بهداشت و وزارت نیرو می‌باشد. از میان وظایف گوناگونی که قانون تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران آن را برشمرده، بند ۸ آن در بیان وظایف آن نیرو به عنوان ضابط قوه قضائیه چنین آورده است: الف) مبارزه با مواد مخدر ب) مبارزه با قاچاق ج) مبارزه با منکرات و فساد، د) پیشگیری از وقوع جرائم ه) کشف جرائم، بازرسی و تحقیق و حفظ آثار و دلایل جرم ز) دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفای آنها ط) اجرا و ابلاغ قضایی.

همه موارد فوق جزء وظایفی است که با عنوان تجسس و براندازی منکرات، برای محتسب وجود داشت. البته چنین اختیاراتی برای نیروی انتظامی به عنوان ضابط قانونی قوه قضائیه، ممکن است اشاره به استثنایی باشد که در اصل ۲۵ قانون اساسی ج.ا.ا. درباره هرگونه «تجسس» آمده است: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس، ممنوع است مگر به حکم قانون. حالا با ملاحظه تقسیم برخی وظایف حسب در بین نهادهای گوناگون، آیا در جمهوری اسلامی به نهاد حسب یا امر به معروف و نهی از منکر لازم است؟ پاسخ آن است که گر چه در جمهوری اسلامی ایران، نهادها و قوانین لازم (که به برخی از آنها اشاره شد) برای وظایف عمده‌ای که محتسب باید انجام دهد، وجود دارد، اما به نظر می‌رسد از یک جنبه بسیار مهم در مورد امر به معروف و نهی از منکر، کمبود قانون وجود دارد. همان گونه که قبلاً اشاره شده بود اصل هشتم قانون اساسی در عین اینکه به جنبه مشارکت مردم برای گسترش نیکی‌ها و براندازی منکرات توجه داده است، متقابلاً وظیفه دولت در خصوص امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مردم کشور را اشاره کرده، لکن کیفیت اجرای آن را دقیقاً مشخص نکرده و آن را بر عهده قانونی گذاشته که به ظاهر باید توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شود. لذا اصل تشکیل دایره حسب یا امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات نظام جمهوری اسلامی است و مورد تردید هیچ یک از اندیشمندان جهان اسلام قرار نگرفته است. آنچه مورد بحث است تنها شرایط و شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر است بر همین اساس دولت دینی، به عنوان نظام حکومتی که مشروعیت آن مرهون امر به معروف و نهی از

منکر است، نمی‌تواند خود را نسبت به مسائل دینی، اعتقادی و اخلاقی جامعه بی طرف بداند و موظف است تمام امکانات خود را برای تشویق و هدایت جامعه به سوی خوبی‌ها به کار گیرد و با قدرتی که از ناحیه خداوند و یا مردم پیدا کرده است، با بدی‌ها، کژی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و دینی مقابله کند و با حفاظت و صیانت از محتوای دین، با رویکردی اصلاحی به تأمین مصالح مادی و معنوی مردم و ایجاد زمینه برای رونق دینداری و انجام فرایض الهی بپردازد.

در شرایط حاضر، موزی و پراکنده کاری، تعدد مدیریت در امر توسعه فرهنگ دینی، مشخص نبودن متولی اصلی و مسئولیت پذیر نبودن کامل سازمان‌های موجود، موجب بروز کاستی‌هایی در ترویج امر به معروف و نهی از منکر و فرهنگ دینی شده است. گرچه نهادهایی مثل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر علی‌رغم زحمات و تلاش‌های وافری که انجام داده و می‌دهند و یا مجلس هم در همین راستا قوانینی مثل قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، در تاریخ ۲۳/۱/۱۳۹۴ تصویب کرده است، لکن در عمل، اقدامی مطلوبی که برای جامعه، بروز و ظهور رو به پیشرفتی داشته باشد، صورت نگرفته است. از طرفی اکثریت قریب به اتفاق مردم هم، امر به معروف‌ها را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و خصوصاً امر مهم عفاف و حجاب، به دلیل عدم پشتیبانی‌های قانونی و اجرایی لازم و کافی نظام از آنها تقریباً رها کرده و همین عدم توجه کافی و ملموس مردم و دولت، فضایی را به وجود آورده که باعث نگرانی و دغدغه بسیار جدی معتقدان به نظام جمهوری اسلامی شده است.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر از جمله آموزه‌های دین اسلام است که حکایت از نقش و جایگاه بدنه اجتماعی در کنترل و پیشگیری دارد. ویژگی‌های امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با دیگر آموزه‌های دین اسلام از امتیاز بیشتری برخوردار است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به عمومیت داشتن، انعطاف در نمود رفتاری و عملی، حاکمیت بر همه روابط اجتماعی، کار-کرد اصلاح‌گرایانه نقش پایه‌ای و زمین‌های برای تحقق دیگر آموزه‌ها و ... اشاره کرد. به همین سبب قانونگذار جمهوری اسلامی اصلی از اصول اساسی خود را به این آموزه اختصاص داده و بر ضرورت عملی شدن آن تأکید نموده است. با این اوصاف، بین صاحب‌نظران در تبیین مفهوم این آموزه، مرزهای عملیاتی آن و شرایط ناظر به آمروناهی، مخاطبان و قلمرو و گستره آن اتفاق نظر وجود ندارد. به نظر می‌رسد از جمله اموری که مانعی مهم بر سر راه عملی شدن هر

چه بیشتر و بهتر این آموزه بوده است، همین امر است؛ به ویژه آنکه برخی از مواردی که طبق نظر برخی فقها از مصادیق منکر است می‌تواند از جمله موارد نقض قانون و حتی جرم محسوب شود.

چون حفظ حریم و اقتدار ولی فقیه به عنوان ستون اصلی نظام اسلامی و جانشین عام رسول الله (ص) و امامان معصوم (ع) در ابعاد مختلف (ولایت، حکومت و خلافت) لازم و واجب است. لذا باید حتماً در رأس ساختار و تشکیلات این فریضه، مقام ولایت و یا منتخب ولی فقیه باشد. ثانیاً جهت به کارگیری همه ظرفیت‌ها و عوامل تأثیرگذار فرهنگی، اجتماعی و مذهبی ... کشور، باید مجموعه‌ای، به عنوان مثال، تحت عنوان شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر در مرکز کشور تشکیل شود.

نکته ظریف و قابل تأملی که در این راهکار پیشنهاد می‌شود این است که چنین تشکیلات مهم گر چه می‌تواند در خانه ملت یعنی مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد لکن برای اینکه به سرنوشت بعضی از مصوبات ناکافی گذشته مجلس، مثل مصوبه مورخه ۱۳۹۴/۱/۲۳ در حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که متأسفانه به شکل مناسب و اثرگذار و موفق، عملیاتی و اجرایی نمی‌شود دچار نگردد، یا بعد از هر چهار سال با تغییر نمایندگان، قانون مصوب قبلی تغییر نکند، بهتر است تا با بازنگری در متن قانون اساسی، چارچوب کلی ساختار این فریضه به عنوان اصول مهم و ضروری، در شمار دیگر مواد قانون اساسی نظام اسلامی گنجانده شود. تا یکی از مهمترین نقض عدم اجرای درست این فریضه که خلأ قانونی مستحکم ماندگار باشد تا حدود زیادی جبران شود. بنابراین صرف نظر از بعضی نقایص و علل خاص سیاسی و اخلاقی مثل اخلاص نداشتن، دلسوز نبودن و جهادی عمل نکردن برخی مدیران ریز و درشت در سراسر کشور و دور بودن از اهداف مقدس و الهی حکومت داری طبق آموزه‌های پیامبر و امامان معصوم (ع) همچنین صرف نظر از حزب و جناح‌گرایی برخی مسئولین که برخلاف گفته امام علی (ع) «ان عملک لیس لک بطعمه ولکنه فی عنقک امانه» پست و مقام را به جای آنکه به عنوان امانت الهی، آن‌هم برای خدمت نمودن بیشتر به مردم فرض کنند. متأسفانه آن را به عنوان طعمه برای خود و بستگان‌شان در نظر می‌گیرند؛ باید گفت علت چالش بزرگ در عدم اجرا یا اجرای ناقص این فریضه الهی در حکومت اسلامی، در بُعد نظری مربوط به عدم تغییر بنیادین در ساختار تقنینی و نداشتن نهادی متفکر تصمیم ساز و تصمیم‌گیر مثلاً تحت عنوان شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر در مرکز و داشتن شعباتی در سراسر کشور است که ضرورت دارد عنداللزوم حتی با بازنگری در قانون اساسی،

این امر مهم صورت پذیرد. اما در بُعد عملی و اجرایی، علت عدم اجرا یا اجرای ناقص این دو فریضه، مربوط به فقدان یک تشکیلات اجرایی و عملیاتی متمرکز، فعال، در عین حال مستقل از دولت با نیروهای انسانی آموزش دیده پا در رکاب و بازرسان ویژه متخصص در رشته‌های مختلف، با امکانات لجستیکی کافی و شعبات متعدد قانونی در همه جای ایران می‌باشد. حداقل شبیه تشکیلات پلیس راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی که اصطلاحاً موبیرگی در سراسر کشور رسوخ و نفوذ داشته باشد و مأمورین متخصص و تعلیم دیده حکومتی‌اش در اجرای عملی این دو فریضه، با رصد دائمی و درجه‌بندی انواع منکرات از جمله منکرات نوپدید در حوزه‌های مختلف، با داشتن جایگاه‌ها و پایگاه‌های مختلف و چشم‌گیر در دسترس همه، مستقر در نقاط حساس هر شهر و حوزه‌های مربوطه، طی بازرسی‌های مشهود و غیرمشهود، گشت‌زنی‌های متعدد روزانه، ضمن ارشاد، موعظه خیرخواهانه، تبلیغ هنرمندانه همراه با انتخاب متن‌های خوب اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و تاثیرگذار در افکار و روحیات مردم، در اجرای این دو فریضه بسیار مهم و حیاتی، نظارت عملی مستمر داشته باشند.

حداقل یکی از مهمترین اثرات مثبت این اقدام بزرگ، تقویت روحی، پشتوانه عملی و تشویق آحاد افراد جامعه به موضوع نظارت، امر به معروف و نهی از منکر انفرادی بین خودشان در همه حوزه‌ها و عرصه‌های اجتماعی خواهد بود، که متأسفانه خلاً آن کاملاً در جامعه امروز حکومت اسلامی احساس می‌شود و به نظر نگارنده ضرورت دارد چنین نهاد یا سازمان اجرایی و عملیاتی در سراسر کشور تشکیل شود. بدیهی است این امر می‌تواند باعث ارتقاء و پیشرفت کمی و کیفی فرهنگ نظارت و امر به معروف و نهی از منکر انفرادی آحاد جامعه، در زمینه همه مفاسد سازمان‌یافته اقتصادی خصوصاً منکرات فرهنگی و اجتماعی از جمله بدپوششی و بی‌عفافی شود. ضمناً در موارد مظاهر فساد اجتماعی و تربیت دینی و عفاف و حجاب جامعه، جهت رعایت همه اصول اخلاقی و حقوقی اسلام، این نظارت و گشت‌زنی مستمر روزانه تذکر، ارشاد و انذار باید در چند نوبت با خودروهای مختلف دارای آرم و نشانه‌های گوناگون مربوط به مراحل متعدد امر به معروف و نهی از منکر باشد. بدیهی است در صورت لزوم و در مرحله پایانی نظارت، نوبت به امر به معروف و نهی از منکر عملی همراه با خودروی مخصوص دارای آرم و نشانه اعمال قانون خواهد بود.

منابع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، نظارت در نظام اسلامی، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول
- بیانی، شیرین (۱۳۷۱)، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- خمینی، روح‌ا... (۱۳۷۴)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی
- رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۸۹)، امر به معروف در ترازوی تاریخ، گامی نو در فقه سیاسی اسلام، قم، ناشر مؤسسه بوستان کتاب
- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۸)، نهاد دادرسی در اسلام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- صرامی، سیف‌ا. (۱۳۷۷)، حربه یک نهاد حکومتی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- طوسی، محمد بن الحسن (۵۱۴۰۴)، الغیبه، ترجمه مجتبی عزیزی، قم، نشر مسجد مقدس جمکران
- کوک، مایکل (۱۳۹۲)، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، مجموعه آثار، جلد نوزدهم، تهران، انتشارات صدرا
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۰)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران، کیهان
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۵)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از پیدایش تا شکوفایی)، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، وزارت امور خارجه

منابع عربی

- ابن تغری بردی، ابوالحسن جمال الدین یوسف (۱۹۳۰م)، منتخبات من حوادث الدهور فی مدی الايام و الشهور، چاپ ویلیام پوپر، برکلی، ایضاً لوس آنجلس
- ابن قیم جوزیه، شمس‌الدین ابوعبدالله (۵۱۴۱۹هـ)، الطرق الحکمیة فی السیاسه الشرعیة، بیروت، چاپ احمد زغبی
- ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۳۸۸ق)، الاموال، قاهره
- بستانی، الپتروس (۱۳۷۵ش)، دایره المعارف، بیروت، دارالمعرفه
- حرعاملی (۵۱۴۱۹هـ)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیت^(ع)
- عبتی، محمدبن عبدالجبار (۱۳۵۷)، ترجمه تاریخی یمینی، از ناصح بن ظفر جرفادقانی، تهران، چاپ جعفر شعار